

آمایش؛ غول چراغ جادوی توسعه

هرچند کشور در نیم‌قرن اخیر از فقدان وجود یک سند ملی آمایش سرزمین مصوب و مورد اجماع و نیز قوانین و مقررات موردنیز رنج برده؛ باین‌حال به سبب انجام سه دور مطالعات سراسری آمایش سرزمین در سال‌های ۱۳۵۳–۱۳۵۵، ۱۳۶۱–۱۳۶۷ و ۱۳۷۶–۱۳۸۴، و نیز بوش گسترده مطالعات برنامه آمایش استان‌ها از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۸، معارف آمایش سرزمینی گسترده‌ای تولید و در سطح نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور اشاعه یافته و اصول هشت‌گانه آمایش سرزمین و جهت‌گیری‌هایی مانند رعایت تناسب بین نیازهای استقرار فعالیت در یک قلمرو با امکانات و قابلیت‌های آن، رعایت مقیاس اقتصادی برای فعالیت در یک مکان با توجه به ظرفیت و کشتش بازارهای داخلی و خارجی، افزایش هم‌گرایی و تقویت هویت ملی و طراحی و اجرای طرح‌های ملی و منطقه‌ای، تخصصی‌شدن عملکرد اقتصادی براساس قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی رقابتی، پرهیز از تنوع و گسترش همه نوع فعالیت در یک قلمرو جغرافیایی، استقرار صنایع آ‌ب‌بر در مجاورت سواحل جنوبی و… به‌وضوح و صراحت تبیین شده است.

نتکته کلیدی آنجاست که درصورتی‌که مطالعات و اسناد آمایش سرزمین به‌طرز صحیحی انجام پذیرد، مجموعه‌ای از خطوط کلی، جهت‌گیری‌های ایجابی و سلبی و به تعبیر بهتر باید و نبایدهایی که مبتنی بر فهم سنت سرزمینی توسعه در ایران، توجه به توان اکولوژیک سرزمین، شناخت تعارض‌ها و عدم تعادل‌های توسعه و مثالهم استخراج و استنباط شده است، فراوری تصمیم‌گیران قرار می‌گیرد و به بیان بهتر، قیود و محدودیت‌های فراوانی را به خواسته‌ها و مطالبات آنان تحمیل می‌کند که احتمالا به مذاق آنها خوش نخواهد آمد؛ ازاین‌رو است که «تعلیق» و «نیست‌انگاری» آن را بیشتر می‌پسندند؛ بنابراین هرکسی از ظن خوش سنگ بزرگی را برای انتظار از آمایش سرزمین مطرح کرده و چنان از آمایش انتظار دارند که علاءالدین از غول چراغ جادو! این در حالی است که آمایش به‌مثابه یک عقلانیت سرزمینی پویا، نه سببی از پروژه‌های زیربنایی و تولیدی است که مسئولان دولتی و مجلسی‌ها در دست بگیرند و از سازمان برنامه و بودجه، مطالبه تخصیص اعتبار اجرای آن را داشته باشند و نه تشکیولی از کلی‌گویی‌ها و شعارهای پوپولیستی و تئوریک بوده که بایی روی زمین ندارد! به‌طورکلی برای آمایش سرزمین در ایران می‌توان سه مأموریت کلان در نظر گرفت: اول) آینده‌نگاری توسعه سرزمینی با حصول درکی تحلیلی از متغیرها، پیرشان‌ها و عدم قطعیت‌های فراوری توسعه ملی کشور (در حوزه اقتصاد، جامعه، فرهنگ، فناوری، محیط‌زیست، انرژی، آب و…) و بازتاب و انعکاس هریک بر شکل‌دهی به سیمای توسعه سرزمین؛ دوم) سیاست‌گذاری توسعه سرزمینی از طریق رفع تعارض‌ها، عدم تازان‌ها و عدم تعادل‌های فراوری توسعه سرزمین، انتظام‌بخشی و هماهنگ‌سازی بین‌بخشی- بین‌منطقه‌ای و ایجاد تناسب و سازگاری میان بارگذاری جمعیت و فعالیت در فضا و سوم) فرصت‌سازی توسعه سرزمین از طریق توجه به مزیت‌های آشکار و پنهان و نیز خلق مزیت‌های جدید برای توسعه قلمروهای مختلف سرزمین. سخن آخر آنکه دو اَقت رایج درباره کشور و کاستی معارف و اسناد آمایش سرزمینی و نیز سوارکردن انتظارات بیش از ظرفیت و توان پاسخ‌گویی آمایش (از سوی مسئولان) را باید از طریق پیشبرد گفتمان‌سازی آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی و تکوین و تکامل آن از یک سند منجمد و خوراها کاغذ ملو از من و نقشه به پیش و توسعه سرزمینی نهاده‌شده از شیبوه نگریستن به تقویمه ملی و مداخلات فضایی در بارگذاری جمعیت، فعالیت و توسعه زیرساخت‌ها دنبال کرد و با بهره‌گیری از ظرفیت قانون‌گذاری، جایگاه، اثربخشی و الزام‌آوری تحقق رسالت آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی کشور را ارتقا بخشید. محطس کلام آنکه بی‌شک «آمایش سرزمین» به‌تنهایی اکسیر معجزه‌آسای حل مسائل پیچیده و درهم‌تنیده کشور نیست؛ بلکه بنیان مروحصی است برای تفاهم و اجماع روی مسائل و اولویت‌ها، شناسایی پیرشان‌ها و متغیرهای کلیدی، چشم‌اندازسازی و حرکت به‌سوی آینده مطلوب… ازاین‌رو برپریزه نیست اگر در نظام برنامه‌ریزی متفرق و جزیره‌ای کشور آمایش را به‌عنوان بُعد هماهنگ‌ساز، خط‌دهنده و تنظیم‌کننده نقشه راه توسعه بلندمدت ملی مفروض داشته و «موضوع اساسی آمایش سرزمین را مدیریت کشور دانست».

•**رئیس گروه آمایش سرزمین سازمان برنامه**

دوربرگردان خصوصی‌سازی؟

- نظارت دقیق بر روند واگذاری مدیریت بنگاه‌های موجود در صندوق‌های سرمایه‌گذاری (ای‌تی‌اف) و جلوگیری از احتمال تشکیل باندهای ثروت در این هلدینگ‌های بزرگ

- ایجاد فضای مناسب و اعطای مشوق‌ها و ترجیحات لازم برای افزایش میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی واقعی برای افزایش سهم آنها در آینده اقتصادی کشور و اعمال محدودیت مؤثر در سرمایه‌گذاری دولت و شرکت‌های دولتی و شه‌دولتی، بازگشت از مسیر ط‌ی‌شده و تبدیل «خصوصی‌سازی» به «دولتی‌سازی» نه مطلوب و نه ممکن است. آنچه امکان‌پذیر و مطلوب و معقول است، اصلاح مسیر آینده به سمت اقتصاد آزاد و رقابتی با آسیب‌شناسی مسیر طی‌شده در چارچوب نگرشی علمی و منطقی و تجربه‌شده در الگوهای موفق جهانی است.

شرق: هرچه به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ نزدیک می‌شویم، شرایط انتخاباتی بیش از پیش روشن می‌شود؛ به‌نجوی که بعد از گمانه‌زنی‌های بسیار محم‌جواد ظریف صراحتا اعلام کرد که نامزد نمی‌شود، محمد خاتمی گفت که قصد حضور در قدرت را ندارم و البته محم‌رضا عارف‌گفت که می‌آیم.

محسن هاشمی: نمی‌آیم

حالا و در تازه‌ترین موضع انتخاباتی محسن هاشمی‌رفسنجانی، رئیس شورای شهر تهران و یکی از اعضای اصلی حزب کارگزاران سازندگی در گفت‌وگویی رادیویی گفته است که نمی‌آید؛ او در پاسخ به این سؤال که آیا در انتخابات ۱۴۰۰ کاندیدا می‌شوید، گفت: «علاقه‌ای به این‌کار ندارم. با وضعیتی که الان هست فکر نمی‌کنم هیچ عاقلی کاندیدا شود. شرایط کشور بسیار سخت است و کسی که خود را کاندیدا می‌کند، به قول غربی‌ها باید سوپرمن باشد… برخی‌ها لطف داشتند به بنده و آن‌هم به دلیل فعالیت‌های ایوی در سال‌های گذشته بود که یک نگاهی به من داشتند ولی من هیچ‌وقت چنین چیزی را مدنظر قرار نداده‌ام». هاشمی در واکنش به اینکه برخی‌ها هستند که در دقایق پایانی زمان بُت‌نام یکباره برای کاندیداتوری در انتخابات احساس تکلیف می‌کنند، تصریح کرد: «بِه این‌هم پیش می‌آید. به‌هرحال برخی‌ها هستند که طرفداران‌شان به آنها فشار می‌آورند و ما که چندین انتخابات را برگزار کردیم، دیدیم که چگونه به آنها فشار می‌آورند و می‌گویند که هیچ راهی جز حضور آنها نیست». رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران هم‌چنین در پاسخ به این سؤال که آیا ممکن است شما نیز تحت تأثیر این‌گونه فشارها قرار بگیرید، گفت: «امیدوارم که بنده گول نخورم و نیایم».

گمانه‌زنی بر سر ائتلاف با لاریجانی

حالا بعد از هاشمی باید دید که وضعیت انتخاباتی در حزب کارگزاران سازندگی چه می‌شود؟ علی لاریجانی یکی از گزینه‌های مهمی است که برخی می‌گفتند می‌تواند گزینه اصلی کارگزاران باشد زیرا از یک‌سو هیچ‌گاه مواضع تندی نداشته است و از سوی دیگر حزب کارگزاران هم در سال‌های اخیر نشان داده که چندان بی‌رُکبت به ائتلاف با یک نیروی اصولگرای سرشناس، معتدل و همسو در استراتژی سیاسی نیست؛ البته که حسین مرعشی‌چندی‌کیش و گفت‌وگویی با «شرق» این احتمال را رد کرد و گفت: «حزب کارگزاران تاکنون هیچ دیداری با آقای لاریجانی نداشته است و اصلا معلوم نیست که خود او بخواهد به عرصه انتخابات وارد شود یا خیر. کارگزاران اکنون چهار نامزد حزبی دارد و نیازی ندارد از آقای لاریجانی

حمایت کند. ضمن احترامی که برای آقای لاریجانی قائلیم اما در حزب کارگزاران کوچک‌ترین بحثی درباره حمایت از او در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده نداشته‌ایم. حزب کارگزاران که بیشترین ظرفیت را برای معرفی نامزد دارد، حتما از یک نامزد غیرحزبی و حتی غیرجبهه‌ای حمایت نمی‌کند اما هم‌چنان محکم می‌گوئیم که دولت آینده باید یک دولت غیرسیاسی و تکنوکرات باشد.»

اگرچه می‌توان این سخن مرعشی به‌عنوان سخنگوی حزب سند قرار دهیم و بگوئیم تا این لحظه موضع حزب کارگزاران همین است اما اگر به سخنان دیگر اعضای این حزب مراجعه کنیم، درمی‌یابیم که ائتلاف چندان در میان اعضای کارگزاران نگوئیده هم نیست و هنوز می‌توان انتظار داشت که در شرایطی خاص مانند رد صلاحیت گزینه‌های حزبی یا رد صلاحیت گزینه‌های جناحی نیروهای کارگزاران به سمت لاریجانی گرایش یابند. افزون بر همه اینها وقتی ظریف در گفت‌وگویی با روزنامه «کاروکارگر» گفت که نمی‌آیم اما ذیل سخناشن اشاره کرد که اولاً از نامزدی که مورد اجماع ملی باشد، حمایت می‌کند و ثانیاً به‌نوعی گفت که بی‌تمایل به ادامه وزیر خارجه بودن نیست. «من نیز با تمام توان در شکل‌گیری اجماع ملی ایضای نقش خواهم کرد تا فردی که مورد وثوق تمام ملت و گروه‌های تأثیرگذار سیاسی است، وارد میدان شود تا از شرایط خطیر فعلی عبور کنیم و با شکل‌گیری چنین اجماعی من هم خواهم توانست وظایف خودم در وزارت خارجه را بهتر انجام دهم.»

حمایت ظریف از لاریجانی؟

پس از این سخنان چنین احتمالی هم مطرح

سیاست

محسن هاشمی در واکنش به احتمال نامزدی‌اش در انتخابات ۱۴۰۰

امیدوارم گول نخورم و نیایم

ظریف از چه نامزدی حمایت می‌کند؟



عکس

مهدی

کاروبی

می‌شود که ظریف گزینه‌ای مانند لاریجانی را مدنظر دارد تا بتواند بازهم وزیر خارجه‌اش باشد زیرا از یک سو دیدگاه ظریف و لاریجانی خاصه در حوزه سیاست خارجی چندان از هم دور نیست و ثانیاً دست‌کم در طیف اصولگرایی بعید است گزینه‌ای هنوز خواستار وزارت ظریف باشد. منصور حقیقت‌پور، مشاور لاریجانی در دوره ریاستش بر مجلس هم در گفت‌وگو با «نامه‌نیوز» باور دارد که ظریف از لاریجانی حمایت می‌کند: «سیاست‌های آقای ظریف و نوع نگاه او نسبت به ارتباط با دنیا به آقای لاریجانی نزدیک است و این احتمال می‌رود؛ درصورتی‌که آقای لاریجانی نامزد ریاست‌جمهوری بشود، آقای ظریف به‌صورت غیررسمی و محفلی از آقای لاریجانی حمایت کند.»

حال باید دید در این میان اگر قرار باشد فردی مانند علی لاریجانی که احتمال تأیید صلاحیتش تقریباً صددرصدی است و شاید در فضای سیاسی شخصیتی متفاوت و محفلی از آقای لاریجانی حمایت کند، چون ظریف هم از او حمایت کند، حزب کارگزاران که هیچ‌گاه موضع تندی علیه ائتلاف نداشته است، بازهم بر گزینه‌های حزبی تأکید می‌کند یا نه؟

احتمال حضور کارگنجری

اما در کنار مقوله ائتلاف اگر قرار باشد کارگزاران با گزینه‌های حزبی خود وارد شود، در کنار هاشمی که حالا گفته است نمی‌آید، اسحاق جهانگیری هم گزینه مطلوبی است زیرا جهانگیری از یک طرف در حزب کارگزاران عضویت دارد و گزینه حزبی است و از سوی دیگر یک گزینه اصلاح‌طلب است؛ بنابراین یک گزینه جناحی هم هست و اگر او نامزد شود، با توجه به سابقه مناظره‌هایی که مردم از او در انتخابات ۹۶ به‌خاطر دارند بعید نیست از یک‌سو بتواند حمایت مردم را جذب کند و از سوی دیگر

مورد اجماع دیگر نیروهای اصلاح‌طلب واقع شود. البته مانع او انتقادهایی است که به عملکرد دولت دوم حسن روحانی وارد می‌شود و او به دلیل آنکه معاون اول دولت روحانی است، حتما در معرض تندترین انتقادهای اصولگرایان خواهد بود.

حمایت کارگزاران از عارف در شرایطی خاص

اما جدای از آنچه در کارگزاران می‌گذرد ورود عارف به انتخابات هم موضوع مهمی است؛ اگرچه او با برخی طیف‌های اصلاح‌طلبی اختلافاتی دارد؛ از جمله با کارگزاران که همیشه منقد جدی او بوده‌اند اما اگر او بتواند نظر عموم اصلاح‌طلبان را جلب کند و در شرایطی که نامزد مؤثر دیگری وجود نداشته باشد حتی بعید نیست که کارگزاران از او هم حمایت کند زیرا دیده شده است که در شرایط خاص، اجماع حتی بر یک نیروی اصولگرا مانند روحانی هم شکل گرفته است چه رسد به عارف که هم معاون‌اول رئیس دولت اصلاحات بوده و هم از شانس بسیار تأیید صلاحیت بالایی برخوردار است. برای مثال چندی‌پیش علی صوفی، از اعضای شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان گفته بود: «اصلاح‌طلبان از سال ۹۲ تاکنون نشان داده‌اند که دنبال اجماع‌سازی بوده‌اند. استراتژی شورای عالی هم همین بوده است. حزب کارگزاران سازندگی هم عضوی از شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان است و اعضای این حزب تا امروز با وجود همه اختلاف‌نظرهایی که با برخی اعضا دارند، ثابت کرده‌اند که در نهایت به تصمیم جمعی احترام می‌گذارند؛ بنابراین این اطمینان وجود دارد که در نهایت همه اصلاح‌طلبان با یکدیگر به اجماع می‌رسند. از سوی دیگر کارگزاران که خود را عمل‌گرا می‌داند، همچنان از روال سال ۹۲ تاکنون حمایت می‌کند و هنوز سیاست ائتلافی را درست می‌داند و چنین باوری در این حزب وجود دارد که می‌شود بازهم از یک نامزد غیراصلاح‌طلب حمایت کرد… اکنون از همه‌هایی می‌شود که کارگزاران از آقای علی لاریجانی حمایت می‌کند. در واقع آنها بدشان نمی‌آید که از یک نیروی کاملاً اصولگرا به نام لاریجانی حمایت کنند. آنها عمل‌گرا هستند و از لاریجانی به سمت عارف می‌آیند و با تعیین شروطی از او حمایت می‌کنند.»

با همه اینها باید منتظر ماند و دید که در روزها و ماه‌های آینده چه تغییرات سیاسی‌ای در آرایش نیروها رخ می‌دهد زیرا بی‌شک تا روز انتخابات بسیاری از چیدمان‌ها تغییر می‌کند.

خبر

رئیس‌جمهور خواستار شد:

افزایش تلاش‌ها برای آزادسازی ذخایر ارزی بلوکه‌شده

● **ایستا:** رئیس‌جمهوری روز گذشته در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت، پس از ارائه گزارش وزارت صمت از برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته در زمینه چگونگی کنترل قیمت کالاها، با تأکید بر لزوم اجرای دقیق این برنامه، گفت: «دولت مصمم است با اجرای برنامه جامع نظارتی دسترسی مردم به کالاهای اساسی و مورد نیاز را تأمین و قیمت آنها را کنترل کند و اجازه ندهد نوسانات قیمت کالاهای اساسی و ضروری، زندگی و معیشت مردم و آرامش روانی آنان را مختل کند». بر این اساس، وزارت‌خانه‌های صمت، جهاد کشاورزی، اطلاعات، دادگستری و تعزیرات موظف هستند در چارچوب این برنامه و با هماهنگی یکدیگر نظام توزیع و نظارت بر قیمت کالاها را اجرا کنند و در یک وضعیت نظام‌مند با تأمین کالاهای اساسی مردم، قیمت کالاها را به‌ویژه در مورد اقلامی که با ارز ترجیحی تأمین شده‌اند، به شکل دقیق کنترل و مدیریت کنند.حسن روحانی حضور میدانی ناظران و ایجاد شفافیت در قالب یک سامانه فراگیر در حوزه توزیع و قیمت‌گذاری را از جمله ضرورت‌های کنونی برای کنترل قیمت‌ها برشمرد و افزود: «دولت مصمم است با وجود همه محدودیت‌ها با اجرای این برنامه کماکان قیمت کالاهای اساسی را به قیمت‌تعیین‌شده با نرخ ترجیحی به دست مصرف‌کننده برساند». او همچنین با اشاره به اقدامات مؤثر دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله وزارت امور خارجه و نهادهای حقوقی دولت و بانک مرکزی تاکنون برای احقاق حقوق ملت ایران، خواستار افزایش و فراگیرترشدن این تلاش‌ها برای آزادسازی ذخایر ارزی بلوکه‌شده کشور شد.

جهانگیری از بانک مرکزی خواست:

تلاش برای صیانت

از منابع ارزی کشور

● **پایگاه اطلاع‌رسانی معاون اول رئیس‌جمهوری:** معاون‌اول رئیس‌جمهوری در جلسه کارگروه رفع موانع جهش تولید بر لزوم تمرکز جدی بر موضوع جهش تولید در شش‌ماهه دوم سال جاری – از سوی دستگاه‌های اصلی متولی تولید تأکید کرد. اسحاق جهانگیری گفت: اینکه گفته می‌شود با وجود فشارها و تحریم‌های ظالمانه اقتصاد کشور همچنان سر پا ایستاده است، به‌معنای عدم مشکل در اقتصاد و بخش تولید نیست بلکه سرباودن اقتصاد یعنی با وجود همه فشارها، به فضل الهی واحدهای تولیدی کشور همچنان فعالیت دارند و کالاهای مورد نیاز جامعه در بازارها موجود است. او افزود: البته تورم و مشکلات اقتصادی، معیشت مردم را تحت تأثیر قرار داده اما دولت تمام تلاش خود را به کار گرفته تا هم از اشتغال کارگران بخش تولید صیانت شود و هم وضعیت معیشتی مردم بهبود یابد. جهانگیری از بانک مرکزی خواست در کنار تلاش برای تدوین سیاست‌های پولی و اعتباری و صیانت از منابع ارزی کشور، بخش تولید را نیز به‌طور ویژه مورد توجه قرار داده و به دنبال پیشنهادها و راهکارهایی برای تأمین ارز مورد نیاز مواد اولیه بخش تولید باشد و از روش‌های مختلف نظیر تأمین ارز مستقیم در سامانه نیما یا تهارت و دیگر روش‌ها برای واردات مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی عمل شود.

علی صوفی مطرح کرد:

احتمال ریاست موسوی خوئینی‌ها بر شورای عالی سیاست‌گذاری

● **باشگاه خبرنگاران جوان:** علی صوفی، وزیر تعاون دولت اصلاحات درباره اظهارات پیشین خودش مبنی بر احتمال حضور موسوی خوئینی‌ها در کرسی ریاست شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان گفت: «در حقیقت تغییری در شورای عالی سیاست‌گذاری با استعفا عارف و موسوی‌لاری اتفاق افتاده است». او با بیان اینکه شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان در سال ۹۴ برای انتخابات مجلس شکل گرفت و توانست یک نهاد انسجام‌بخش و اجماع‌ساز مثل شورای عالی سیاست‌گذاری که حرکت جبهه اصلاحات را نمایندگی کند، برای انتخابات پیش‌رو مورد نیاز است که این نهاد اختلافات درونی اصلاح‌طلبان را رفع کرده و جایی باشد که حرف و تصمیم آن مورد قبول همه باشد». صوفی افزود: «شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان حتی اگر برای انتخابات پیش‌رو ترکیبش تغییر کند، هرگز از بین نخواهد رفت؛ بنابراین باید فرد دیگری جایگزین محم‌رضا عارف در این مجموعه باشد». این فعال سیاسی درباره اظهارات پیشین خود مبنی بر احتمال حضور موسوی خوئینی‌ها در این شورا، بیان کرد: «البته من در این زمینه خبر موثقی ندارم اما تحلیل این بود که با توجه به ورود جدی آقای موسوی خوئینی‌ها به عرصه سیاست، تأکیدی که بر مشارکت اصلاحات در انتخابات ۱۴۰۰ داشت و با کنارگرفی از انتخابات، این موضوع به ذهن متبادر می‌شود که شاید او بهترین گزینه باشد و بتواند در رأس شورای عالی قرار بگیرد تا هم به توصیه‌های خود عمل کند و هم شورای عالی سیاست‌گذاری انسجام پیدا کند».

خیلی وارد نیست. نمی‌خواهم بگویم که دولت

مهندس موسوی نقصی نداشت، قطعا نقص های جدی داشته ولی تصمیم گیری اقتصادی ای زمان ضرورت آن روز بوده و چاره ای جز این نبوده است، ما در نیمه دوم جنگ، سال ۱۳۶۴ را با تورم زیر شش درصد سپری کردیم. دور دوم دولت جنگ مصادف بود با انحلال حزب جمهوری اسلامی. از یک حزب چند صدای متضاد و اختلاف ایدئولوژیک برخاستن. آوای ناقوس اضمحلال آن است. در ۱۱ خرداد ۱۳۶۴ اختلاا تنظیم شد که در آن آمده بود: «احساس می‌شود که وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته و به عکس ممکن است تجزب در شرایط کنونی بهانه‌ای برای ایجاد اختلاف و دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت گردد» و در نهایت، تعطیلی حزب پیشنهاد شده بود. رهبر انقلاب نیز با تعطیلی حزب موافقت کرد. باین‌حال اختلافات در دولت سرچای خودش بود. اختلافی که حتی یک‌بار در شه‌رور ۱۳۶۷ و کمی بعد از پایان جنگ ایران و عراق، به استعفاي موسوی از نخست‌وزیری انجامید؛ استعفايی که با مخالفت شدید امام روه‌رو و منتفی شد. با همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ مقام نخست‌وزیری از ساختار سیاسی ایران حذف شد؛ بنابراین میرحسین موسوی آخرین نخست‌وزیر ایران بود.

دستور تشکیل مجمع تشخیص مصلحت از سوی امام خمینی برای حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان، موافقت امام خمینی با تشکیل مجمع روحانیون مبارز توسط انشعاب‌کنندگان از جامعه روحانیت مبارز تهران، تشکیل سومین دوره مجلس شورای اسلامی با اکثریت جناح چپ، ماجرای مک‌فارلین، پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ توسط ایران، صدور فتوای قتل سلمان رشدی ازسوی امام خمینی، درگذشت آیت‌الله منتظری از قائم‌مقامی رهبری، درگذشت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب ازسوی مجلس خبرگان، همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی، حذف نخست‌وزیری و حذف شرط مرجعیت برای رهبری از جمله رخدادهای مهم دولت چهارم جمهوری اسلامی ایران است.